

# رویکرد امنیت انرژی اتحادیه‌ی اروپایی نسبت به مسئله‌ی نارکوتروریسم در آسیای مرکزی

مهدی هدایتی شهیدانی\*

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه گیلان

مهدی پادروند

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه گیلان

زهرا زنگنه

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه رازی کرمانشاه

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۴/۲۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۵/۳۰

## چکیده

ذخایر انرژی آسیای مرکزی توجه بازیگران مهم بین‌المللی را به سمت خود جلب کرده است. با این حال، ایجاد امنیت مسیرهای انتقال انرژی و تأمین آن به منظور بهبود کارایی شریان صنعت و اقتصاد نیز از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های این بازیگران محسوب می‌شود. نارکوتروریسم یا به عبارت دیگر تهدیدهای ناشی از فعالیت قاچاقچیان موادمخدر در آسیای مرکزی موجب شده تا امنیت این منطقه با مشکلات جدی مواجه شود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با هدف بررسی تأثیرات نارکوتروریسم بر امنیت انرژی اتحادیه‌ی اروپایی انجام شده و اطلاعات لازم را از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده است. سؤال اصلی مقاله آن است که، نارکوتروریسم چگونه امنیت انرژی اتحادیه‌ی اروپایی را با مشکل جدی روبرو می‌کند؟ و مهم‌ترین راهبرد اتحادیه‌ی اروپایی در قالب تأمین امنیت انرژی در آسیای مرکزی چیست؟ فرضیه‌ی مقاله آن است که گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی به منظور تقویت نیروها و خرید تسلیحات، از قاچاق موادمخدر به عنوان یک منبع درآمد مستمر استفاده کرده و امنیت این منطقه را با مشکلات جدی مواجه کرده‌اند. در سوی مقابل واکنش اتحادیه‌ی اروپایی در مقابل این تهدیدها به منظور تأمین امنیت مسیر انتقال انرژی آسیای مرکزی به اروپا از طریق طرح‌هایی همچون همکاری با شورای اروپایی، ناتو، سازمان همکاری‌های اروپا از کارایی لازم برخوردار نبوده است.

**کلید واژگان:** نارکوتروریسم، اتحادیه‌ی اروپایی، امنیت انرژی، آسیای مرکزی، افراطی‌گری مذهبی

## مقدمه

مبارزه با موادمخدر از جمله مهم‌ترین بخش‌های سیاست داخلی و خارجی بسیاری از دولت‌ها به شمار می‌رود. اقدامات تروریستی ناشی از فعالیت گروه‌های قاچاقچی موادمخدر در کشورها باعث شده تا از اصطلاحی به نام نارکو تروریسم که ترکیبی از قاچاق موادمخدر و عمل تروریستی می‌باشد، استفاده شود. نارکو تروریسم<sup>۱</sup>، اصطلاحی است که برای اقدامات تروریستی از جمله ترور، آدم‌ربایی، و مبارزه ی مسلحانه در برابر پلیس کشورهای متبوع به کار گرفته می‌شود. این اصطلاح اولین بار از سوی رئیس جمهور اسبق پرو در سال ۱۹۸۳ میلادی برای توصیف حملات تروریست گونه علیه پلیس مبارزه با موادمخدر این کشور به کار برده شد (Bjornhed, 2004: 305-306).

قاچاقچیان موادمخدر و فعالیت‌هایی که آن‌ها در جمهوری‌های آسیای مرکزی انجام می‌دهند، از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند روسیه و اتحادیه ی اروپایی می‌باشند؛ چرا که علاوه بر گروه‌های سازمان‌یافته، فقر و بیکاری نیز در جمهوری‌های این منطقه باعث شکل‌گیری گروه‌هایی شده است که برای رفع مشکلات اقتصادی خود به قاچاق موادمخدر روی می‌آورند. این افراد فعالیت‌های خود را به منظور رسیدن به اهداف خود نه تنها در کشورهای آسیای مرکزی بلکه به کشورهای اروپایی و روسیه نیز توسعه داده‌اند. این رویکرد می‌تواند یک معضل اجتماعی، سیاسی و امنیتی بزرگ برای این کشورها و مسیرهای انتقال انرژی آن‌ها قلمداد شود. به عنوان نمونه قاچاق موادمخدر و ترورهای سازمان‌یافته ی وابسته به آن‌ها به منظور تأثیرگذاری بر سیاست داخلی کشورهای منطقه، شکل‌گیری مسائل حاد امنیتی و در نتیجه واکنش برخی از کشورهای ذی‌نفوذ را به منظور مدیریت آن در پی داشته است (مرادی و خیری، ۱۳۹۵: ۱۱).

براین اساس برخی از کشورها و یا سازمان‌هایی که در تلاش هستند تا با این منطقه همکاری داشته باشند، با وجود مشکلات و مسائل امنیتی، همکاری خود را با دقت بیشتر طراحی می‌کنند؛ به عبارت دیگر وجود چنین مشکلات امنیتی در منطقه ی آسیای مرکزی موجب طراحی الگوهای تأمین امنیت توسط بازیگرانی شده است که به دنبال تأمین منابع انرژی خود از این منطقه هستند. یکی از مهم‌ترین بازیگرانی که به دنبال گسترش نفوذ و همکاری با جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌باشد، اتحادیه ی اروپایی است. در سال‌های اخیر همکاری این

<sup>۱</sup>. Narcoterrorism

اتحادیه با کشورهای صاحب انرژی آسیای مرکزی تحت‌الشعاع مسائل امنیتی ایجاد شده توسط نارکو تروریست‌ها قرار گرفته است. همچنین گسترش تروریسم و مشارکت برخی از شهروندان آسیای مرکزی در عملیات‌های نظامی وابسته به داعش و القاعده نیز مسئله‌ی امنیتی مهم دیگری محسوب می‌شود که نمی‌توان ارتباط آن را با مسئله‌ی اول نادیده گرفت. وجود چنین تحولاتی، چالش‌های کشورهای اروپایی را در سال‌های اخیر برای تأمین امنیت مسیرهای انتقال انرژی تشدید کرده است. در نتیجه طبیعی به نظر می‌رسد که اعضای این اتحادیه در تلاش باشند تا مسیر انتقال انرژی مورد نیاز خود را به منظور رهایی از انحصار انرژی روسیه ایمن نمایند.

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با هدف بررسی تأثیرات نارکو تروریسم بر رویکرد امنیت انرژی اتحادیه‌ی اروپایی انجام شده و اطلاعات لازم را از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده است. سؤال اصلی مقاله این‌گونه مطرح می‌شود که، نارکو تروریسم چگونه امنیت انرژی اتحادیه‌ی اروپایی را با مشکل جدی روبرو می‌کند؟ و مهم‌ترین راهبرد اتحادیه‌ی اروپایی در قالب تأمین امنیت انرژی در آسیای مرکزی چیست؟ فرضیه‌ی مقاله آن است که گروه‌های افراطی در آسیای مرکزی به منظور تقویت نیروها و خرید تسلیحات، از قاچاق مواد مخدر به عنوان یک منبع درآمد مستمر استفاده کرده و امنیت این منطقه را با مشکلات جدی مواجه کرده‌اند. در سوی مقابل واکنش اتحادیه‌ی اروپایی در مقابل این تهدیدها به منظور تأمین امنیت مسیر انتقال انرژی آسیای مرکزی به اروپا از طریق طرح‌هایی همچون همکاری با شورای اروپایی، ناتو، سازمان همکاری‌های اروپا از کارایی لازم برخوردار نبوده است.

### چارچوب نظری

رهیافت اقتصاد سیاسی بین‌المللی<sup>۱</sup>، تعاملات بین دولت و بازار را مورد مطالعه قرار می‌دهد. اقتصاد سیاسی بین‌المللی بر این فرض استوار است که دستیابی به بازارهای خالص و سودآور بدون دخالت سیاسی و همکاری دولت‌ها امکان پذیر نمی‌باشد. این رویکرد تأکید می‌کند که نمی‌توان اقتصاد و سیاست را دو مقوله‌ی جدا از هم فرض کرد. درهم‌تنیدگی آدو مقوله به‌گونه‌ای

<sup>۱</sup> . International Political Economy

<sup>۲</sup> . Interconnection

مورد بررسی قرار می‌گیرد تا به این سوال پاسخ داده شود که دولت‌ها به چه شکلی از ابزار اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی استفاده می‌کنند و یا بالعکس؟ اقتصاد سیاسی بین‌المللی با نظم نهفته و چگونگی ارتباط بین دولت‌ها و تعاملات اقتصادی در سطح بین‌الملل سروکار دارد. این نظم مذکور در بین دولت‌ها که هر کدام در صدد رسیدن به منافع خود در ابعاد گوناگون هستند، هم از تصمیمات مستقل دولت‌ها نشأت می‌گیرد و هم از ساختار سیاسی بین‌المللی (نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

رهیافت اقتصاد سیاسی بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی می‌باشد که امروزه برای بررسی و تحلیل سیاست خارجی کشورها در نظام بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در قالب این رویافت، رفتارهای دولت‌ها در محیط بین‌المللی با توجه به پدیده‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و امنیتی که هر کدام به تنهایی می‌توانند رفتار دولت‌ها در عرصه‌ی سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار دهند، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نگاه اقتصاد سیاسی و بین‌المللی، نظام جهانی باعث تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌ها می‌شود و از مشکلات و ملاحظات سیاسی و امنیتی جهت ایجاد همکاری و رابطه‌ی متقابل بین کشورهای مختلف تأثیر می‌پذیرد (پورا احمدی، ۱۳۸۶: ۹-۵).

البته نظریه‌های مختلف رقیبی نیز وجود دارند. از جمله مهم‌ترین این نظریه‌ها، مرکانتلیسم<sup>۱</sup> می‌باشد که بر نقش دولت در بازار و ایجاد امنیت و حفظ آن پافشاری می‌کند. بر اساس این ایده، کشورهای قدرتمند توانستند برای ایجاد یک اقتصاد جهانی، و همچنین برای اطمینان از بازارهای محلی و تأمین منابع، از نیروی نظامی خود استفاده کنند. طرفداران مرکانتلیسم معتقد بودند که رفاه یک ملت وابسته به عرضه‌ی سرمایه و تأمین انرژی مورد نیاز چرخه‌ی اقتصادی آن است. با استفاده کردن از انرژی مورد نیاز که از طریق همکاری و ایجاد رابطه‌ی مثبت با سایر کشورها تأمین می‌شود، اقتصاد ملی رونق خواهد گرفت و تولیدات داخلی به نحو چشم‌گیری توسعه خواهند یافت. این امر ایجاد مازاد تولید برای کشورهای قدرتمند را به دنبال خواهد داشت و از طریق تجارت مازاد تولید به سایر کشورها منابع مالی و سودهای کلانی را به اقتصاد خود تزریق می‌کنند (Kenton: 2019: 2-6).

<sup>۱</sup> . Mercantilism

نظریه‌ی مرکانتلیسم در ادوار مختلف با تحولات متعددی روبه‌رو شده است. از جمله مهم‌ترین این تحولات، ایجاد و ظهور نظریه‌ی نئومرکانتلیسم<sup>۱</sup> می‌باشد؛ این نظریه به دنبال محافظت از امنیت اقتصادی در دوران وابستگی متقابل اقتصادی است. زیرا این نظریه بر این امر واقف می‌باشد که وابستگی متقابل بین کشورها همیشه به گونه‌ی یکسان وجود ندارد و جنبه‌ی نامتقارن دارد. به این معنی که کشورهای صادرکننده و یا تولیدکننده‌ی انرژی، میزان وابستگی و همچنین نیاز کشورها به انرژی را یک امر مثبت تلقی می‌کنند. این مسئله باعث می‌شود تا با استفاده کردن از میزان درآمد حاصل، امنیت خود را افزایش دهند. در مقابل این دیدگاه کشورهای صادرکننده و یا تولیدکننده‌ی انرژی، دیدگاه کشورهای واردکننده و نیازمند به انرژی وجود دارد. در این دیدگاه هرگونه تغییر در میزان انرژی و یا قطع آن می‌تواند بر امنیت کشورهای واردکننده تأثیر سویی داشته باشد. نظریه‌ی مرکانتلیسم بر این عقیده می‌باشد که رقابت اقتصادی در بین کشورها بازی با حاصل جمع صفر<sup>۲</sup> است، به این معنا که سود هر کشوری با ضرر کشورهای دیگر همراه خواهد بود. این نظریه، امنیت را در زمره‌ی مهم‌ترین دغدغه‌ی کشورهای مختلف می‌داند که خود به انواع گوناگون از جمله، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت محیط زیست و امنیت فرهنگی تقسیم می‌شود. طیف‌های مختلف امنیت، می‌تواند توسط ارتش کشورهای دیگر و یا حتی شرکت‌های برون‌مرزی<sup>۳</sup> مورد تهدید قرار گیرند (نیاکویی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۷).

براین اساس فعالیت گروه‌های مختلف تروریستی که از قدرت تخریب و عملیاتی بالا در نقاط مختلف جهان برخوردار هستند، در زمره‌ی مسائلی قرار دارد که امنیت اقتصادی کشورهای مختلف را مورد تهدید قابل توجهی قرار می‌دهد. با توجه به تهدیدهایی که برای امنیت انرژی کشورهای مختلف در نقاط متعدد جهان وجود دارد، دولت‌ها نیز برای رفع این مشکلات امنیتی اقدام به ایجاد سازمان‌هایی کرده‌اند که امنیت انرژی آن‌ها را تأمین کند. از جمله مهم‌ترین سازمان‌هایی که به این منظور توسط کشورهای مختلف ایجاد شده است سازمان و یا آژانس بین‌المللی انرژی است. تأکید این آژانس و کشورهای عضو بر افزایش و توسعه و همچنین تسریع کارکرد آن، نشان‌دهنده‌ی عزم جهانی برای تأمین امنیت عرضه و انتقال انرژی در جهان

۱. Neomercantalism

۲. Play with zero sum

۳. Overseas Companies

می‌باشد (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۲۴). آژانس بین‌المللی انرژی کشورهای واردکننده و یا مصرف‌کننده را مجبور به اتخاذ سیاست‌های تأمین امنیت انرژی در مناطق گوناگون می‌کند.

### جایگاه انرژی در تعاملات اتحادیه ی اروپایی و کشورهای آسیای مرکزی

اتحادیه ی اروپایی از جمله بازیگرانی است که با توجه به راهبردهای اقتصادی خود در صدد توسعه ی همه‌جانبه ی فرآیند انتقال و دریافت انرژی می‌باشد. نیاز مبرم این اتحادیه به واردکردن انرژی موجب شده تا اعضای آن در صدد باشند راهبردهای نوینی را به منظور تأمین این مهم در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دهند. اتحادیه ی اروپایی با استفاده از متنوع‌سازی منابع انرژی تلاش می‌کند که انحصار تأمین انرژی خود توسط روسیه را از بین ببرد و بدون واسطه با کشورهای تولیدکننده ی انرژی ارتباط داشته باشد. به‌طور کلی پس از بحران‌های گازی در فاصله ی سال ۲۰۰۶-۲۰۰۹، کشورهای اروپایی تلاش کرده‌اند که در مسئله ی تأمین انرژی این منطقه کوچک‌ترین تعللی انجام ندهند و همواره خودشان بخش مهمی از تأمین امنیت آن را برعهده بگیرند (Harvey, 2016: 3).

انرژی همواره به عنوان یک دغدغه ی مهم در دستور کار دولتمردان اروپایی قرار داشته است. بر طبق ماده‌ی ۱۹۴ و بند ۱ معاهده ی لیسبون<sup>۱</sup>، کشورهای عضو اتحادیه ی اروپایی باید به منظور تأمین انرژی و همچنین تقویت و گسترش همکاری میان اعضای این اتحادیه به منظور اتصال انرژی و شبکه‌های آن تلاش کنند. پارلمان اروپایی نیز در این راستا موظف است نظارت کافی برای تحقق این دغدغه را داشته باشد. بر همین اساس، در حوزه ی عملیاتی نیز اعضای این اتحادیه از طریق پیگیری طرح نابوکو<sup>۲</sup>، تلاش داشتند تا میان کشورهای اتحادیه و مناطق دارای انرژی همکاری‌های تنگاتنگی را طراحی کرده و ارتباطات نزدیکی را با کشورهای آن مناطق برقرار کنند. خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی هستند که براین اساس برای همکاری در حوزه ی انرژی مورد تأکید فراوان قرار گرفته‌اند. با این حال تنش‌های ژئوپلیتیکی

<sup>1</sup> . Lisbon Treaty

<sup>2</sup> . The European Parliament

<sup>3</sup> . Nabucco

زمان آغاز این پروژه مربوط به سال ۲۰۰۷ است که براساس آن بنا بود تا انرژی مورد نیاز اتحادیه ی اروپایی از طریق جمهوری آذربایجان تأمین گردد. با آغاز به کار پروژه ی شاه‌دنیز در سال ۲۰۱۳، آینده ی طرح نابوکو در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

موجود در این مناطق موجب شد تا رویکرد اتحادیه‌ی اروپایی در قالب این نگاه با نوسانات چالش‌زایی مواجه شود (Grigoriadis, 2010: 1).

به‌گونه‌ای سنتی، اتحادیه‌ی اروپایی به جریان انرژی از فدراسیون روسیه وابستگی داشته است. این روند همواره محلّ تنش و چالش‌های متعدّدی برای اتحادیه در مناسبات دو سویه بوده است. در نتیجه وجود چنین فضایی، اتحادیه‌ی اروپایی از دو دهه‌ی قبل به دنبال آن بود تا از منابع جایگزین انرژی در حوزه‌ی خزر و به ویژه منطقه‌ی سرشار از انرژی آسیای مرکزی برای رهایی از وابستگی به منابع انرژی روسیه بهره‌برداری نماید. در این راستا بود که طرح احداث خط لوله‌ی نابوکو به یکی از اولویتهای اصلی حوزه‌ی انرژی تبدیل شد. از نقطه نظر سیاسی، نابوکو فرصتی را برای اروپا فراهم می‌کرد تا گزینه‌های متنوع‌تری برای تأمین گاز فراهم نماید و به صورت نمادین یا واقعی زمینه‌ی کاهش اتکا به منابع وارداتی گاز از روسیه را فراهم می‌کرد. حجم این منابع وارداتی در سال ۲۰۰۸ حدود ۱۵۶ میلیارد متر مکعب و یا برابر کلّ تقاضای گاز اتحادیه‌ی اروپایی بود (Müftüleri-Baç & Deniz, 2011: 1).

با وجود موانع متعدّدی که در مسیر تحقّق این گزینه وجود دارد، اتحادیه‌ی اروپایی در سالهای گذشته تلاش نمود تا میزان وابستگی خود را به روسیه کاهش دهد و از انرژی کشورهای آسیای مرکزی و حوزه‌ی خزر استفاده کند. در این چارچوب، مناسبات میان اتحادیه‌ی اروپایی و کشورهای آسیای مرکزی بعد از ارائه‌ی طرح نابوکو به منظور رسیدن به موفقیت افزایش پیدا کرد. در سال ۲۰۰۷، آسیای مرکزی به طور واضح در منظومه‌ی سیاست خارجی این اتحادیه ظاهر شد. از یک دهه‌ی پیش تاکنون، اتحادیه‌ی اروپایی نمایندگی‌های زیادی به منظور تأمین انرژی و نفوذ سیاسی در آسیای مرکزی ایجاد کرد. این مؤسّسات پروژه‌های متعدّد انرژی در قالب نفت و گاز را به همراه کشورهای این منطقه شروع کردند و بودجه‌ی همکاری و توسعه‌ی روابط با آن‌ها را افزایش دادند. همچنین چندین الگوی همکاری دوجانبه و منطقه‌ای را با کشورهای منطقه طراحی نمودند. آخرین نمونه از این دست اقدامات به امضای توافقنامه‌ی همکاری و همکاری پیشرفته<sup>۱</sup> میان این اتحادیه و دولت قزاقستان مربوط می‌شود. اتحادیه در سال ۲۰۱۸ مذاکرات مشابهی را نیز با قرقیزستان آغاز کرد (Boonstra & Panella, 2018: 2-7). در ماه ژوئن

<sup>۱</sup> . Advanced Cooperation and Cooperation Agreement

۲۰۱۷، شورای اروپا<sup>۱</sup> توافق کرد از شش ماهه ی دوم سال ۲۰۱۹ در راهبرد اتحادیه ی اروپایی نسبت به کشورهای آسیای مرکزی به منظور چگونگی ادامه ی همکاری اقتصادی-سیاسی و امنیتی تجدیدنظر کند. در این راستا، همان طور که سرویس خاورمیانه ی اروپا<sup>۲</sup> یک راهبرد جدید را به منظور اتخاذ رویکردهای جدید اتحادیه ی اروپایی با هدف تأمین منافع ملی تهیه خواهد کرد، سرویس اروپایی همکاری این اتحادیه و آسیای مرکزی<sup>۳</sup> نیز با ارائه ی توصیه های خود درصدد گسترش همکاری در ابعاد متعدد و امنیت انرژی برآمده است. از جمله مهمترین نکاتی که کارشناسان اروپایی به منظور رسیدن به این راهبرد مورد توجه قرار داده اند، عبارتند از:

۱- گسترش همکاری سیاسی.

۲- گسترش همکاری امنیتی به منظور جلوگیری از فعالیت گروه های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر.

۳- افزایش همکاری در حوزه ی انرژی: با وجود این، تأمین امنیت مسیر انتقال جریان انرژی از آسیای مرکزی به اروپا به مثابه اصلی ترین دغدغه ی آتی رهبران اتحادیه محسوب می شود؛ چرا که آسیای مرکزی همواره در طول سال های گذشته از مشکلات امنیتی زیادی از جمله قاچاقچیان مواد مخدر و نیروهای تروریستی و افراطی مذهبی که از طریق قاچاق مواد مخدر هزینه های خود را تأمین می کنند، رنج می برد (Boonstraet al, 2018: 2-5).

بنابراین طبیعی است که هم کشورهای آسیای مرکزی و هم اتحادیه ی اروپایی راهبردهای خود را به منظور کنترل و مدیریت مشکلات امنیتی موجود در آسیای مرکزی تنظیم کنند. روشن است که در صورت عدم مدیریت نیروهای گریز از مرکز در آسیای مرکزی، از یک سو آینده ی امنیت انرژی کشورهای اتحادیه ی اروپایی با مشکل جدی مواجه خواهد شد و از سوی دیگر سازوکار مجموعه ی امنیتی آسیای مرکزی با نوسانات و اختلالات فزاینده تری عمل خواهد نمود.

1 . Council of Europe

2 . Middle East European Services

3. EUCAM



## امنیت انرژی اتحادیه‌ی اروپایی و تهدیدهای نارکوتروریسم در آسیای مرکزی

نارکوتروریسم و یا به عبارت دیگر فعالیت‌های ضدامنیتی قاچاقچیان موادمخدر در داخل کشورهای آسیای مرکزی موجب شده تا روند تجارت و فعالیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی نیز دچار اختلال شود. این معضل در کنار اقتصاد ضعیف برخی از کشورهای منطقه بر مشکلات موجود در آن افزوده است. شبکه‌ها و مسیرهای حمل‌ونقل در آسیای مرکزی نیز بخشی از مشکلات مستمرآن محسوب می‌شود؛ چون بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، راه‌های حمل‌ونقل این منطقه بر اساس استانداردهای منحصربه‌فرد هریک از این جمهوری‌ها ساخته نشده بود و اغلب در یک مسیر قرار داشت. این ترکیب هندسی روند استفاده از آن‌ها را برای سایر کشورها غیرممکن می‌کرد. هم‌اکنون نیز این مشکل به یکی از مهم‌ترین چالش‌های تجارت درون منطقه‌ای بین کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است. البته علاوه بر حمل‌ونقل، مشکلاتی از قبیل تنش‌های سیاسی، رژیم اقتصادی متفاوت، درگیری طولانی در برخی از این کشورها همچون افغانستان و تاجیکستان، قاچاقچیان موادمخدر و همچنین تهدیدهایی که افراد مسلح در مسیرهای گوناگون حمل‌ونقل ایجاد می‌کنند، نیز باعث بروز مشکلات اقتصادی در این کشورها شده است (Batsaikhan & Dabrowski, 2017). یک نمونه‌ی مناسب در این مورد کشور تاجیکستان است. این کشور برنامه‌ها و راهبردهای داخلی خود را به منظور مدیریت حمل‌ونقل موادمخدر اعمال کرده است. اما این سیاست‌ها به دلایلی از جمله موارد زیر با شکست مواجه شده است:

- ۱- حجم بسیار زیاد ترانزیت مواد مخدر از افغانستان و پاکستان (۱۵ تا ۲۰ تن تریاک و ۷۵ تا ۸۰ تن هروئین سالیانه)،
- ۲- میزان جمعیت قابل توجهی از این کشور که به این مواد اعتیاد دارند،
- ۳- و همچنین عدم کفایت کمک‌های خارجی به تاجیکستان.

لذا با توسعه‌ی این فعالیت در تاجیکستان، نیروهای دولتی و سیاسی اغلب توسط افرادی که حمل‌ونقل مواد مخدر را انجام می‌دهند، از طریق دریافت رشوه و سودهای کلان، به سمت گروه‌های مافیای موادمخدر سوق پیدا می‌کنند. این مسئله خود به تنهایی موجب گسترش فساد در این کشور شده است؛ چرا که درآمدهای مختلفی که می‌بایست صرف رونق اقتصادی کشور شود، توسط این افراد به یغما برده می‌شود و در نتیجه هزینه‌های لازم به منظور اصلاحات متعدّد

در کشور از این طریق از بین خواهد رفت. استمرار این معضل اقتصادی و فساد اقتصادی ناشی از آن در کشور، شرایط رکود اقتصادی و تورم گسترده ایجاد کرده است. شهروندان عادی جامعه ی تاجیکستان که در نتیجه ی این فشار اقتصادی برای تأمین حداقل نیاز اولیه ی زندگی خود با مشکل مواجه می‌شوند، بیش از پیش در معرض آسیب‌های ناشی از آن قرار دارند. این افراد به دلیل بیکاری و فقر، به منظور تأمین نیازهای اولیه ی خود به گروه‌هایی که قاچاق موادمخدر را انجام می‌دهند، جذب می‌شوند. همچنین به منظور اشتغال و رهایی از بند بحران بیکاری، بخش عظیمی از شهروندان تاجیکی (در حدود یک‌ونیم میلیون نفر) به خارج از کشور از جمله به روسیه مهاجرت می‌کنند (Virkkunen, 2017: 102).

اما بی‌ثباتی در برخی از این کشورها از جمله افغانستان به واسطه ی حضور نیروهای تکفیری و اسلام‌گرای افراطی در کنار قاچاقچیان موادمخدر که از طریق تاجیکستان و قزاقستان موادمخدر خود را وارد روسیه و اروپا می‌کنند، موجب شده است تا ضرب امنیت در این منطقه که لازمه ی اصلی سرمایه‌گذاری خارجی است، از بین برود و کشورهای سرمایه‌گذار نیز به دلیل فقدان این مؤلفه از میزان سرمایه‌گذاری خود در آن بکاهند. با شروع بحران‌های خاورمیانه و توسعه ی فعالیت گروه تروریستی داعش و جذب افرادی از آسیای مرکزی بر دامنه ی این معضل امنیتی افزوده شد. طبیعتاً در صورت افزایش ثبات در کشورهای آسیای مرکزی، میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز برای شکوفایی اقتصاد این منطقه در زمینه‌هایی نظیر تولید انرژی افزایش خواهد یافت (Boonstra&Panella, 2018). با این حال به سادگی نمی‌توان از تأثیر بی‌ثباتی‌های ناشی از پدیده ی ناکوتروریسم بر مسیرهای تأمین انرژی بازیگرانی همچون اتحادیه ی اروپایی عبور کرد.

### خطّ لوله ی انتقال انرژی و تهدیدهای ناکوتروریسم در آسیای مرکزی

بعد از تنش‌های سیاسی مختلف در زمینه‌های گوناگون میان روسیه و اتحادیه ی اروپایی از اوایل قرن ۲۱ به بعد، سران اتحادیه به این نتیجه رسیدند که رویکرد روسیه در زمینه ی تأمین انرژی برای آنها خطرآفرین خواهد بود. بروکسل براین اعتقاد بود که مسکو از ابزار انرژی به منظور دستیابی به نیات سیاسی خود بهره می‌برد. لذا درصدد برآمد تا در سال ۲۰۰۷ برنامه ی عمل

همبستگی و امنیتی را برای تنوع سازی و آزادسازی انرژی اتحادیه‌ی اروپایی<sup>۱</sup> ایجاد کند. به این منظور خط لوله‌ی نابوکو در دستور کار کشورهای اروپایی قرار گرفت. اتحادیه‌ی اروپایی به دنبال آن بود تا از این طریق جریان انرژی مورد نیاز خود را متنوع سازد و انحصار آن را از مسکو سلب کند. همچنین با احداث این خط لوله، اروپا مترصد آن بود تا کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی را به یک شبکه‌ی انرژی متصل به این قاره تبدیل کند (آجیلی و بهادرخانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). برای این اساس طرح نابوکو در کنار اهداف اقتصادی، مقاصد سیاسی زیادی را توسط کشورهای اروپایی و حتی ایالات متحده دنبال می‌کرد. از جمله آن که اروپا و آمریکا با پیگیری طرح‌هایی همچون نابوکو تلاش داشتند تا از نفوذ ایران و روسیه در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز بکاهند. زیرا این طرح همواره بیشتر کشورهای دارای انرژی آسیای مرکزی و قفقاز را شامل می‌شد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۴). با این حال، قدرت کنسرسیوم‌های نفتی چندملیتی و تمایل آنها به کنار نهادن طرح نابوکو به نفع طرح شاه‌دنیز، عاملی بود تا در کنار تهدیدات جریان‌های افراطی حاضر در آسیای مرکزی، چالش‌های شدیدی متوجه جریان انتقال انرژی به اتحادیه‌ی اروپایی قرار گیرد.



نقشه‌ی شماره ۱: مسیرهای اصلی انتقال انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا (آجیلی و بهادرخانی، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

وجود گروه‌های افراطی در کنار مجموعه‌های مربوط به قاچاق موادمخدر در داخل و پیرامون کشورهایی که طرح نابوکو از آن عبور می‌کرد، ضریب امنیتی این پروژه را با چالش مواجه

<sup>۱</sup> A program of solidarity and security action for the diversification and liberalization of energy in the European Union

می‌ساخت. مظفر اولیموف<sup>۱</sup>، مدیر مرکز تحقیقاتی تاجیکستان، معتقد است که "با ناامن شدن کشور افغانستان نیروهای گریز از مرکز در این کشور افزایش پیدا کرده‌اند و قاچاق موادمخدر از آنجا به اروپا و آسیای مرکزی به شدت در حال توسعه می‌باشد. این مسئله یک تهدید جدی برای زیرساخت‌های اقتصادی به شمار می‌رود". به اعتقاد او بیکاری و ناامنی در افغانستان و آسیای مرکزی موجب گرایش افراد به گروه‌های قاچاق و افراطی مذهبی شده است. بوتیر تورسونوف<sup>۲</sup>، مدیر مؤسسه‌ی مطالعات استراتژیک ازبکستان<sup>۳</sup> بیان داشته است که "امنیت آسیای مرکزی برای بازیگران جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. لذا تا زمانی که امنیت در افغانستان تقویت نشود، نمی‌توان انتظار ثبات در آسیای مرکزی را داشت؛ چرا که با اقتصاد ضعیف و تجارت موادمخدر که اقتصاد این کشور را تأمین می‌کند هر روز بر میزان ناامنی ناشی از فعالیت قاچاقچیان موادمخدر و افراطی‌گری مذهبی افزوده می‌شود (Satubaldina, 2018). وجود گروه‌های مذهبی افراط‌گرا و همچنین پدیده‌ی سوداگری موادمخدر در منطقه‌ی آسیای مرکزی باعث شده تاعلی‌رغم وجود منابع سرشار انرژی، موضوع تأمین امنیت انرژی برای دولت‌های این منطقه از اولویت بیشتری برخوردار باشد. در نتیجه، پایش و تجزیه و تحلیل مهم‌ترین این گروه‌ها در ادامه‌ی پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### جنبش اسلامی آسیای مرکزی<sup>۴</sup>

در سال ۲۰۰۲ بنیادگرایان سلفی آسیای مرکزی چارچوب یک سازمان مخفی را در این منطقه به نام "جنبش اسلامی آسیای مرکزی" ایجاد کردند. مهم‌ترین هدف این جنبش اتحاد بین جنبش‌های اسلامی در قرقیزستان-ازبکستان و تاجیکستان بوده است. اقدامات این جریان، تحلیلگران را به این باور رسانده است که سازمان مذکور درصدد ایجاد یک دولت اسلامی در منطقه می‌باشد. با این حال خطر این سازمان با روی کار آمدن داعش دوچندان شد؛ زیرا نیروهای این جنبش‌ها با توسعه‌ی فعالیت داعش به آن پیوسته‌اند و در زمینه‌ی انجام عملیات‌های تروریستی تجربه‌های فراوانی را کسب کرده‌اند. لذا با توجه به وجود ترانزیت موادمخدر و همچنین

1. Mozafar Ulimov

2. Bouter Torsonov

3. Institute for Strategic Studies of Uzbekistan

4. Central Asian Islamic Movement

انرژی موجود در آسیای مرکزی، راه‌های کسب منابع مالی برای این گروه بیشتر شده؛ به طوری که با استفاده از قاچاق موادمخدر، تسلیحات نظامی و منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۰). همچنین خواهند توانست به یک منبع ارسال تروریست به اتحادیه‌ی اروپایی تبدیل شوند و با تهدیدهای زیادی که در شبکه‌های اجتماعی انجام می‌دهند بر دامنه‌ی مشکلات امنیتی این منطقه بیفزایند (Lemon, 2018: 2-9). و نهایتاً اهداف اتحادیه‌ی اروپایی را در حوزه‌ی انرژی نفت و گاز در آسیای مرکزی با خطر جدی مواجه کنند (Mironova, 2019: 2-5). بیشتر این نیروها که از قاچاق موادمخدر، منابع مالی خود را تأمین می‌کنند درصدد براندازی دولت‌های منطقه با فعالیت خود برآمده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به جنبش اسلامی آسیای مرکزی و یا جنبش اسلامی ازبکستان اشاره کرد. این نیروها در کشور ازبکستان تلاش می‌کردند که حکومت کریموف<sup>۱</sup> را ساقط کنند، ولی با توجه به عدم موفقیت، به جمعیت القاعده و طالبان در پاکستان پیوستند (Kaura, 2018: 2-4). که این نیروهای مذکور نیز از جمله مهم‌ترین افرادی هستند که در داخل کشور متبوع خود جزء افراد و یا گروه مرکز گریز می‌باشند. لذا با پیوستن به آن‌ها این گونه می‌پندارند که هم قدرت اقتصادی و هم قدرت عملیاتی خود را توسعه می‌دهند. گروهی همچون طالبان و یا القاعده از آنجایی که از حمایت کشورهای غربی برخوردار هستند لذا هم تسلیحات مدرنی را در اختیار دارند و هم اینکه می‌توانند مراودات معتدّی در ابعاد گوناگون با این کشورها داشته باشند. بنابراین گروه‌های اسلام‌گرای آسیای مرکزی و یا جنبش اسلامی این منطقه با همکاری کردن با القاعده و یا طالبان، نیروهای خود را به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر تجهیز می‌کنند.

تروریست‌های افراطی باعث شده‌اند هزینه‌ی مالی کشورهای غربی جهت تأمین امنیت جریان انرژی به غرب افزایش یابد. از جمله‌ی این موارد می‌توان به ترورهای هدفمند<sup>۲</sup> و حمله‌ی نیروهای قاچاقچی به کاروان نظامی<sup>۳</sup> نیروهای تاجیک در سپتامبر ۲۰۱۰ اشاره کرد. در این حمله‌ی تروریستی ۲۶ نظامی تاجیک کشته شدند. نیروهای امنیتی در تاجیکستان و ازبکستان

<sup>۱</sup> . Karimov

<sup>۲</sup> . Targeted assassinations

<sup>۳</sup> . Military convoy

در بررسی‌های اولیه‌ی خود این عملیات تروریستی را که توسط گروه «ملا عبدالله<sup>۱</sup>» که به قاچاق مواد مخدر در کوه دره رشت<sup>۲</sup> در این کشور مشغول هستند، مرتبط دانستند. از جمله گروه‌های دیگر که زیر نظر جنبش اسلامی آسیای مرکزی فعالیت دارند، گروه «جندالخلیفه<sup>۳</sup>» می‌باشد. این گروه به انجام قاچاق مواد مخدر و ترورهای سازمان یافته مشهور است. با افزایش منابع مالی از طریق قاچاق مواد مخدر میزان تحرکات تروریستی این گروه در آسیای مرکزی توسعه یافته است. به‌طور کلی تحرکات گروه‌های افراطی باعث ایجاد مشکلات زیادی برای خطوط انتقال انرژی شده است؛ چرا که بروز تنش‌های نظامی بین نیروهای کشورهای آسیای مرکزی با این گروه، اقدام تلافی‌جویانه و به خطر افتادن خطوط مذکور را به دنبال خواهد داشت (Omeliicheva et al, 2018: 2-4).

### حزب التحریر

این حزب از معروف‌ترین و قدرتمندترین حزب‌ها در آسیای مرکزی می‌باشد و همواره می‌کوشد که یک خلافت اسلامی را در منطقه ایجاد کند. حزب مذکور دارای برنامه‌ها و استراتژی‌های سه‌گانه به منظور رسیدن به اهداف خود است. از جمله مهم‌ترین این برنامه‌ها می‌توان به - تأسیس گروهی بر اساس سیره‌ی پیامبر، ایجاد یک حکومت اسلامی از طریق کسب حمایت عمومی جامعه و از بین بردن دولت‌های کنونی و احیای تفکرات اسلامی اشاره کرد (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱).

اما نکته‌ی مهم آن است که درک شود قاچاق مواد مخدر به چه صورت بر کنشگری این گروه مؤثر واقع شده است؟ قاچاق مواد مخدر در آسیای مرکزی ضمن تقویت مالی این گروه تروریستی - تکفیری، موجب افزایش اعتبار آن در بین گروه‌های قومی و مذهبی و نهایتاً موجب ایجاد نزاع‌های متعدد شده است. در واقع رکن اصلی اقدامات این گروه در آسیای مرکزی بر محور قاچاق مواد مخدر استوار است (Omeliicheva, 2018). دولت‌های آسیای مرکزی نیز برنامه‌ی مشخصی به منظور کنترل کردن حزب و نیروهای آن ندارند. لذا فقط آن‌ها را شناسایی و سرکوب می‌کنند

1. MulloAbdulo

2. Rasht valley

3. Jundal Khalifa

4. Organized assassinations

که به نظر می‌رسد این اقدام خود باعث در پیش گرفتن گرایش‌های افراطی‌تر شده است؛ چرا که بیشتر این افراد به نیروهای تروریستی دیگری از جمله داعش برای رسیدن به اهداف خود پیوسته‌اند. بازگشت اعضای ملحق شده به داعش از عراق و سوریه، با توجه به تجربه‌ی نظامی که در این چند سال کسب کرده‌اند، حزب مذکور را به یکی از چالش‌زاترین نیروهای تروریستی تبدیل می‌کند. درآمدهای مربوط به فروش غیرقانونی نفت در زمان جنگ سوریه، موجب شد تا تسلیحات مجهزتر و پیشرفته‌تری در اختیار اعضای آن باشد. به نظر می‌رسد با توسعه‌ی فعالیت و درگیری اعضای این گروه با نظامیان کشورهای آسیای مرکزی، کنترل بر منابع انرژی به عنوان یکی از اهداف آتی این جریانات خواهد بود (Olcott, 2017: 2-9).

این مسایل موجب شده است تا، دولتهای آسیای مرکزی درصدد به حداقل رساندن فعالیت این گروه باشند. براین اساس، حزب‌التحریر به همراه ۲۰ گروه افراطی دیگر در کشورهای آسیای مرکزی از سال ۲۰۱۶ به عنوان سازمان‌های افراطی و تروریستی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و فعالیت آنها ممنوع اعلام شده است. گروه‌هایی همچون داعش، القاعده، طالبان، حزب‌التحریر، حزب اسلامی ترکستان، جبهه‌التصره، اتحاد جهاد اسلامی و ... در این فهرست قرار دارند. البته حزب‌التحریر به عنوان بزرگترین و گسترده‌ترین گروه، توانسته است علی‌رغم پیگردهای قانونی، ممنوعیت و سرکوب توسط دولت‌ها، اقدامات خود را ادامه دهد (Botobekov, 2016: 7).

## داعش

نفوذ داعش به داخل کشورهای آسیای مرکزی و ایجاد مشکلات امنیتی در آنجا از یک سو، علاوه بر اوضاع نامساعد اقتصادی برخی از کشورهای این منطقه موجب شده تا افراد زیادی برای پیوستن به این گروه اعلام آمادگی کنند (Kukeyeva et al, 2016). همچنین از منظر سیاسی، وجود نظام‌های سیاسی سکولار و اقتدارگرا که در تعارض با بافت فرهنگی-هویتی منطقه می‌باشند، در کنار سرکوب مخالفان سیاسی از سوی این دولت‌ها، شرایط را برای عضوگیری داعش آسیای مرکزی تسهیل کرده است. وجود منابع غنی انرژی در آسیای مرکزی موجب شده است تا گروهی همچون داعش با عضوگیری و توسعه‌ی نفوذ خود در این منطقه، درصدد عملیاتی کردن الگوی رفتاری خود در تصرف منابع انرژی سوریه و عراق و پیاده‌سازی آن در آسیای مرکزی از طریق نیروهای بومی برآید (Mirovalev, 2018: 2-6). البته باید این مسئله را

نیز ذکر کرد که داعش برای رسیدن به این مهم باید دامنه‌ی نفوذ خود را همانگونه که مطرح کردیم افزایش دهد. این اقدام توسط گروه داعش به وسیله‌ی همکاری کردن و ائتلاف با گروه‌های هم‌ایدئولوژی و یا به عبارت دیگر هم‌فکر خود عملی خواهد شد. بنابراین داعش با همکاری کردن با گروه‌های اسلام‌گرا در آسیای مرکزی و قفقاز در صدد رسیدن به هدف مذکور و دستیابی به منابع سرشار از انرژی است.

امام علی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان، اعلام داشته که نیروهای زیادی از کشورهای آسیای مرکزی در حمایت از گروه تروریستی داعش در مناطق مختلف کشته شده‌اند. این بدان معناست که تهدیدهای تروریستی در آسیای مرکزی به بلوغ رسیده و برای کشورهایی که در این منطقه دارای منافع می‌باشند، این نفوذ خطرناک به نظر می‌رسد. عده‌ای از کارشناسان تقویت تهدیدهای تروریستی از ناحیه‌ی داعش را نتیجه‌ی راهبرد برخی از کشورهای صاحب منافع در این منطقه همچون ترکیه و قطر می‌دانند. از نظر این افراد به طور مشخص، قطر سعی دارد از ایجاد و احداث خط لوله‌ی گاز به ارمنستان و یا پاکستان توسط کشورهای آسیای مرکزی جلوگیری کند. ترکیه نیز در صدد است تا این خط لوله‌ی جدید را تهدیدی برای خط لوله‌ی گازی ترکیه به اروپا و غرب نشان دهد. با این حال، مجموع این موارد نشان می‌دهد که با فعالیت و تقویت این گروه در آسیای مرکزی، کار ادامه‌ی ایجاد خطوط لوله برای انتقال انرژی با چالش‌های زیادی همراه باشد (Mohammadov & Ashrafi, 2017). چرا که کشورهای آسیای مرکزی هم از نظر نظامی و هم از نظر اقتصادی قدرت مورد نیاز را به منظور دستیابی به امنیت لازم جهت سرمایه‌گذاری کشورهای غربی و یا به عبارت دیگر ذی‌نفوذ را دارا نمی‌باشند و این مسئله بر مشکلات امنیتی این مناطق افزوده است.

از آنجایی که اتحادیه‌ی اروپایی در صدد انتقال انرژی این منطقه به وسیله‌ی خطوط گوناگون است، امنیت انرژی خود را در درون آسیای مرکزی جستجو می‌کند. لذا مشکلات امنیتی برآمده از داعش در منطقه‌ی آسیای مرکزی در آوریل ۲۰۱۷ و همچنین در ژانویه‌ی ۲۰۱۸ در دستور کار کشورهای این اتحادیه قرار گرفت. براساس این رویکرد اعضای اتحادیه در صدد برآمدن از طریق همکاری دوجانبه و چندجانبه با شرکای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، انجمن جهانی مبارزه با تروریسم<sup>۱</sup>، تقویت نیروی کار به منظور کمک مالی به کشورهایی که داعش باعث

<sup>۱</sup> . World Counterterrorism Forum



ایجاد مشکلات امنیتی در آنها شده است، و همچنین شرکت در ائتلاف آمریکا علیه داعش، امنیت انرژی و منافع خود را تأمین کنند (Kocijancic, 2018). چرا که با وجود نفوذ داعش در نقاط مختلف از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، مبارزه کردن و جلوگیری از توسعه طلبی این گروه جهت تأمین امنیت مورد نیاز توسط کشورهای اروپایی به شکل انفرادی به نظر نمی‌رسد قابل عملی شدن باشد. به همین منظور کشورهای اروپایی برای رسیدن به هدف مذکور در صدد می‌باشند یک مدل از ائتلاف بین‌المللی جهت رسیدن به این مهم ایجاد کنند.

دولت‌های اروپایی در قالب همکاری‌های دوجانبه، همکاری خود را با کشورهایی که در معرض این خطر هستند، توسعه داده‌اند. در این مورد «بن والاس»<sup>۱</sup>، وزیر امنیت انگلیس، بیان داشت که "دولت انگلیس و کشورهای اروپایی باید از کشورهایی که با داعش درگیر هستند و یا داعش در صدد نفوذ در آنها می‌باشد، حمایت کند" (Kennedy, 2019: 2-6). کشورهای اروپایی این‌طور نشان می‌دهند که خواهان گسترش همکاری اقتصادی با کشورهایی در خاورمیانه و آسیای مرکزی هستند که طیف وسیعی از اسلام‌گرایان آنها به گروه تروریستی داعش پیوسته‌اند. نیروهای داعش از طریق کشورهای آسیای مرکزی \_ جدا از بحث انرژی \_ به وسیله‌ی قاچاق مواد مخدر به تقویت خود پرداختند و برای موفقیت خود به اقدامات تروریستی نیز اقدام می‌کنند (Wintour, 2019: 2-7). البته این نکته را باید ذکر کرد که قاچاق مواد مخدر برای این گروه تروریستی جدا از مبحث سود مالی، در داخل نیروهای آنها نیز نفوذ کرده و افراد تحت پرچم داعش، مواد مخدر قابل توجهی را نیز مصرف می‌کنند. دولت اسلامی عراق و شام در طول دوران مبارزه‌های خود در عراق و سوریه و همچنین افرادی که از نقاط مختلف به ویژه از آسیای مرکزی و قفقاز به آنها پیوسته‌اند، در نتیجه‌ی ترانزیت مواد مخدر و در پوشش این افراد قاچاقچی هم روند تردد خود را تسریع کرده و هم اینکه توانسته‌اند برای خرید تسلیحات مورد نیاز، منابع درآمد کافی کسب کنند.

بنابراین بخش عمده‌ی نگرانی کشورهای اتحادیه‌ی اروپایی بیشتر متوجه به خطر افتادن جریان خطوط انتقال انرژی به سمت این اتحادیه می‌باشد؛ زیرا در صورت عدم موفقیت آن، مجدداً انحصار انرژی آسیای مرکزی و انتقال آن به اروپا همچنان در اختیار مسکو قرار می‌گیرد. لذا همکاری اروپا با کشورهای آسیای مرکزی در بحث مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریست،

<sup>۱</sup> . Ben Wallace

به ویژه داعش، از ماهیت دو سویه برخوردار است. از یک سو به جریان انتقال انرژی از آسیای مرکزی به اروپا کمک خواهد کرد و از سوی دیگر از ورود آن دسته از شهروندان اروپایی که در سالهای اخیر به داعش پیوسته بودند، جلوگیری می‌کند و آنها را همچنان در مناطق پیرامون اتحادیه مستقر نگه خواهد داشت.

## طالبان

این گروه از جمله مهم‌ترین نیروهایی می‌باشند که در افغانستان \_ به عنوان یکی از بزرگترین تولید کنندگان تریاک در جهان \_ و از مسیر کشورهای آسیای مرکزی اقدام به قاچاق موادمخدر می‌کنند. این گروه تروریستی در حدود ۶۰ درصد از درآمد خود را به منظور توسعه فعالیت تروریستی در آسیای مرکزی از طریق قاچاق موادمخدر به دست می‌آورد (Woody, 2017: 2). طالبان با استفاده از تولید و پخش موادمخدر بر میزان قدرت اقتصادی خود به منظور تقویت نیروها و خرید تسلیحات افزوده اند. اگرچه دولت مرکزی افغانستان و پاکستان این‌گونه نشان می‌دهند که درصددند از این میزان قدرت‌گیری طالبان و تولید موادمخدر توسط آن جلوگیری کنند، ولی آمارهای متعدد نشان می‌دهند که نه تنها این امر محقق نشده است، بلکه بر میزان درآمدزایی و ترانزیت آن توسط گروه طالبان از طریق کشورهای آسیای مرکزی افزوده شده است (McCoy, 2018: 1-6). طالبان به‌عنوان یکی از بزرگترین گروه‌های مخالف دولت افغانستان تلاش می‌کند از انشعاب در داخل خودبه وسیله افزایش درآمد مالی برای تجهیز نیرو و تسلیحات جلوگیری کند. زیرا سود ناشی از ترانزیت موادمخدر باعث در اختیار گذاشتن منابع مالی فراوانی از نیروهای این گروه شده است. و این مسئله رغبت اعضای این گروه را برای رسیدن به اهداف تعریف شده خود بیشتر کرده است. لذا پایان جنگ با طالبان به معنی حل معضل موادمخدر در افغانستان نخواهد بود. ساده لوحانه است که باور کنیم طالبان، با تحمل زیان‌های قابل توجه در میدان نبرد و حملات گسترده علیه فرماندهان ارشد این گروه که باعث تضعیف طالبان شده است، بتواند دیگر گروه‌های تروریستی را از زمین‌های کشت خشخاش دور نگاه دارد و ضعف طالبان گروه‌های تروریستی جدیدی را به این مناطق خواهد کشاند. زیرا قاچاق موادمخدر امروزه بیش از هر زمان دیگر باعث تقویت این گروه تروریستی شده و باعث تقویت جایگاه آن در نقاط مختلف افغانستان و پاکستان شده است.

توسعه‌طلبی طالبان و تحرکات تروریستی و اقتصادی آن به منطقه‌ی افغانستان به نظر نمی‌رسد ختم شود. زیرا نیروهای این گروه از بیشتر کشورهای آسیای مرکزی تشکیل شده‌اند. طالبان به وسیله‌ی این نیروها هم قاچاق مواد مخدر خود را انجام می‌دهد و هم در مواقع لازم به منظور تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌های داخلی کشورهای آسیای مرکزی به ویژه افغانستان و پاکستان ترورهای سازمان‌یافته‌ای را انجام می‌دهد. این معضل موجب شده تا هر کدام از کشورهای ذینفع در مسایل آسیای مرکزی همچون اتحادیه‌ی اروپایی از راهبردهای متعددی جهت مدیریت این معضل امنیتی در آسیای مرکزی استفاده کنند. براساس اعلام این اتحادیه، اعضای آن در قالب سازمان همکاری اروپا، شورای اروپا و استفاده از ناتو به دنبال ایجاد یک مکانیسم کنترل گر با سازمان شانگهای به منظور کاستن از میزان تحرکات نیروهای گروه طالبان بودند. اتحادیه‌ی اروپایی راهبرد خود را برای در اختیار گرفتن فضای ایجاد شده توسط تهدیدات طالبان و اطمینان از استمرار جریان انرژی به این اتحادیه را براساس سه مؤلفه تنظیم کرده است: الف) استفاده از ظرفیت حضور نیروهای ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان و انجام رزمایش‌های مختلف با نیروهای نظامی کشورهای منطقه؛ ب). پیشنهاد اعطای تسهیلات بانکی به کشورهای آسیای مرکزی؛ ج). پیشنهاد اصلاح ساختارهای سیاسی و اقتصادی در جمهوری‌های این منطقه (Cornell & Engval, 2017: 3-8). با توجه به ساختار سیاسی کشورهای آسیای مرکزی، به نظر می‌رسد که رویکردهای این چنینی اتحادیه‌ی اروپایی، در مقابل پیشنهادها و کمک‌های کشورهای همچون چین و روسیه که هیچ‌گونه تغییرات و اصلاحاتی را در ساختار سیاسی کشورهای منطقه در بر نمی‌گیرند، از فرصت قابل توجهی برخوردار نباشد.



نقشه شماره ۲: مسیرهای عمده ترانزیت مواد مخدر - (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۴۰).

## نتیجه گیری

امنیت انرژی به عرضه ی مداوم و مناسب محصولات انرژی مربوط می شود. برای آن دسته از بازیگرانی که به عنوان اصلی ترین مصرف کنندگان محصولات انرژی محسوب می شوند، دسترسی آسان و بدون خطر به منابع نفت و گاز جهان یکی از اصلی ترین نیازها و اولویتهای سیاسی و اقتصادی به شمار می رود. همچنین تنوع در مسیرهای انتقال و دریافت محصولات انرژی، اصل دیگری است که عمده ترین واردکنندگان انرژی برای ایجاد فضای رقابتی میان تولیدکنندگان در پیش می گیرند. اما نکته ی تکمیلی این بحث مربوط است به تأمین جریان نفت و گاز از نقاطی که احتمال ثبات و عدم تحولات شگرف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در آن ها طولانی مدت، قابل کنترل و پیش بینی پذیر باشد. اتحادیه ی اروپایی به عنوان یکی از اصلی ترین دریافت کنندگان محصولات انرژی دنیا، امنیت انرژی را توانایی کسب اطمینان از نیازهای آینده ی انرژی هم در بخش استفاده از منابع داخلی در چارچوب ضوابط اقتصادی و یا ذخایر راهبردی و هم در بخش خارجی به صورت دسترسی سهل و بدون ریسک به مبادی عرضه ی باثبات فارغ از احتمال قطع آن می داند.

یکی از اصلی ترین مباحث این پژوهش آن بود که مناطقی که دارای انرژی زیادی هستند برای دریافت منابع انرژی همواره مورد توجه اتحادیه ی اروپایی قرار گرفته اند. از جمله ی این مناطق، جمهوری های تازه استقلال یافته ی آسیای مرکزی می باشند. آسیای مرکزی از اهمیت ژئواستراتژیک برای اتحادیه ی اروپایی بر خوردار می باشد. زیرا یک پل ارتباطی بین خاورمیانه، چین و افغانستان به منظور تجارت کشورهای اروپایی است. لذا از طریق همکاری با کشورهای این منطقه، اتحادیه ی اروپایی تلاش دارد تا خود را به مهم ترین شریک تجاری در حوزه ی انرژی با منطقه نشان دهد. اعضای این اتحادیه در رویکرد تأمین انرژی خود تلاش دارند تا نشان دهند که فقط از منابع انرژی خاورمیانه و خلیج فارس و یا روسیه برای رفع نیازهای خود بهره نبرند. به همین منظور درصدد بوده اند تا در قالب دیپلماسی تأمین و امنیت انرژی، نفوذ خود را در جمهوری های آسیای مرکزی افزایش دهند و امنیت مسیر انتقال انرژی را تأمین کنند. با این حال به نظر می رسد که این اقدام در تنوع بخشی به نیازهای انرژی، نوعی فرصت سازی در برابر سایر بازیگران عمده ی تولیدکننده ی نفت و گاز که مهم ترین صادرکنندگان این محصولات به اتحادیه ی اروپایی به شمار می روند، باشد. چرا که از این طریق، این اتحادیه خواهد توانست هم

در فضای رقابت اقتصادی و هم در فضای تنش‌های ژئوپلیتیکی امکان بیشتری را برای تحرک در اختیار داشته باشد. منتهی تحولات سریع امنیتی در منطقه‌ی آسیای مرکزی به عنوان پاشنه‌ی آشیل این رویکرد، ظرفیت بهره‌برداری از آن را به حداقل ممکن کاهش داده است.

کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی طیف وسیعی از چالش‌ها و تهدیدات امنیتی را در منطقه دارند. بسیاری از چالش‌ها و تهدیدات مذکور از خارج به این منطقه وارد می‌شود، در حالی که از نظر داخلی این کشورها چه در بعد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و مذهبی دارای مشکلاتی می‌باشند که زمینه‌های این مسائل امنیتی را فراهم می‌کند. روشن است که فعالیت گروه‌های تروریستی باعث با خطر انداختن کشورهایی می‌شود که امنیت آن‌ها برای حفظ خطوط انتقال انرژی لازم است. زیرا این خط لوله از منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان مناطقی می‌گذرد که کشورهای اروپایی برای انتقال انرژی خواهان تأمین امنیت آن‌ها هستند. با این حال حکومت‌های اقتدارگرا در آسیای مرکزی به واسطه‌ی اقدامات سرکوب‌گرایانه علیه اسلام‌گرایان، در کنار بیکاری، فقر، و عدم آموزش کافی زمینه را برای رشد نیروهای تروریستی که از راه قاچاق مواد مخدر تأمین مالی می‌شوند، هموار کردند. این گروه‌ها با استفاده کردن از قاچاق مواد مخدر درآمدهای لازم خود را به منظور تجهیز نیروهای خود استفاده کرده و به نظر می‌رسد در آینده در صدد دستیابی به منابع انرژی این جمهوری‌ها باشند. اقدامات این گروه‌ها در استفاده از قاچاق مواد مخدر به عنوان منبع تأمین هزینه‌ها، به مهم‌ترین چالش برای تقویت رابطه‌ی پنج کشور آسیای مرکزی و اتحادیه‌ی اروپایی نیز تبدیل شده است. زیرا امنیت انرژی مورد نیاز اتحادیه‌ی اروپایی را که از طریق خطوط انتقال انرژی انجام می‌گیرد، با خطر جدی مواجه کرده است.

اتحادیه‌ی اروپایی امنیت انرژی خود را دسترسی فیزیکی بدون وقفه با قیمت مقرون به صرفه در عین عدم نگرانی محیطی می‌داند. در نتیجه برای تأمین این مهم به اقدامات برنامه‌ریزی شده‌ای مبادرت کرده است. این اتحادیه، کشورهای آسیای مرکزی را تشویق می‌کند تا به منظور کنترل تهدیدهای نارکوتروریسم، همکاری ژئوپلیتیکی خود را با آن توسعه دهند. همچنین تلاش می‌کند تامیزان سرمایه‌گذاری خود را در این کشورها افزایش دهد و سرانجام ادعا می‌کند در قالب سازمان همکاری اروپا و شورای اروپا، و با استراتژی گسترش ناتو به شرق، درصدد مدیریت مشکلات امنیتی گروه‌های تروریستی فعال در ترانزیت مواد مخدر برآمده است.

با این حال به نظر می‌رسد با توجه به آن که تسهیلات این اتحادیه به کشورهای اقتدارگرای آسیای مرکزی منوط به انجام اصلاحات سیاسی-اجتماعی گسترده است، با استقبال نظام‌های سیاسی منطقه همراه نگردد. چرا که رهبران آسیای مرکزی ترجیح می‌دهند از کمک‌ها و منابع مالی چینی و روسی که هیچ‌گونه پیش‌شرطی را در بر ندارند، بهره‌مند شوند.



## منابع

### الف) فارسی

۱. آجیلی هادی و بهادرخانی محمدرضا (۱۳۹۳)، «اقتصاد سیاسی خطوط لوله انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۵۵-۱۲۹.
۲. اخوان کاظمی مسعود (۱۳۹۵)، «تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی حضور داعش در آسیای مرکزی از تهدید نفوذ تا واقعیت حضور»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۱۱، شماره ۱، ص ۲۱-۱.
۳. اعظمی، هادی و دبیری، علی اکبر (۱۳۹۱)، «ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپولیتیک ایران در آسیای مرکزی»، *فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی*، سال دوازدهم، شماره ۴۰، صص ۴۶-۲۵.
۴. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶)، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تغییرات قدرت آمریکا»، *مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه*.
۵. موسوی سیدمحمد و همکاران (۱۳۹۱)، «تأثیر جایگاه خطوط لوله انرژی بر ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۰، صص ۱۹۶-۱۴۷.
۶. مرادی، مهدی و خیری، مصطفی (۱۳۹۵)، «انتخاب عقلانی و رجحان‌های فدراسیون روسیه در آسیای مرکزی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۶.
۷. نیاکویی سیدامیر و همکاران (۱۳۹۰)، «سیاست انرژی اتحادیه اروپا و کاهش وابستگی به روسیه»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱، صص ۲۲۶-۱۹۳.
۸. واعظی محمود (۱۳۸۹)، «دیپلماسی انرژی ایران و قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس»، *ویژه‌نامه نفت و سیاست خارجی*، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

### ب) انگلیسی

1. Batsaikhana, Uuriintuya and Dabrowski, Marek (2017), "Central Asia — twenty-five years after the breakup of the USSR", *Russian Journal of Economics*, Vol. 3, Issue 3, , Pp. 296-320.
2. Bjo rnehed Emma (2004), "Narco-Terrorism: The Merger of the War on Drugs and the War on Terror" *Global Crime*, Vol. 6, No. 3&4, August–November 2004, Pp. 305–324.
3. Boonstra Jos&Panella Riccardo (2018), "The European Union (EU) can play a positive role in Central Asia by offering an alternative to Russia and China; helping countries build their societies and diversify their economies; and supporting regional cooperation", <http://voicesoncentralasia.org/three-reasons-why-the-eu-matterstocentralasia>.
4. Botobekov Uran (2016), "Kyrgyzstan's Self-Defeating Conflict with Moderate Islam", <https://thediplomat.com/2016/06/kyrgyzstans-self-defeating-conflict-with-moderate-islam>.

5. Cornell Svante E & Engvall Johan (2017), "*The EU and Central Asia: Expanding Economic Cooperation, Trade, and Investment*",  
<http://isdpeu/publication/eu-central-asia-expanding-economic-cooperation-trade-investment>.
6. Grigoriadis, Ioannis N (2010), "The Nabucco Project: Implications for the EU Strategic Energy Review", in book: "***Think Global Act European: The Contribution of 14 European Think Tanks to the Spanish, Belgian and Hungarian Trio Presidency of the European Union***", Notre Europe, Editors: Elvire Fabry, Gaëtane Ricard-Nihoul.
7. Harvey, Fiona (2016). "*Europe places bets on natural gas to secure energy future*",  
<https://www.theguardian.com/environment/2016/feb/16/europe-places-bets-on-natural-gas-to-secure-energy-future>.
8. Kaura, Vinay (2018), "*Uzbekistan ups its involvement in Afghanistan*",  
<https://www.mei.edu/publications/uzbekistan-ups-its-involvement-afghanistan>.
9. Kennedy, Rachael (2019), "*What is Europe's approach to repatriating ISIS members? | Euro news answers*",  
<https://www.euronews.com/2019/03/07/what-is-europe-s-approach-to-repatriating-isis-members-euronews-answers>.
10. Kenton, Will (2019), "*Mercantilism*",  
<https://www.investopedia.com/terms/m/mercantilism.asp>.
11. Kocijancic Maja (2018), "*Utt innt to nnnntrr Da'ss*",  
[https://eeas.europa.eu/headquarters/headquartersHomepage/23264/eaactions-counterda%E2%80%99esh\\_en](https://eeas.europa.eu/headquarters/headquartersHomepage/23264/eaactions-counterda%E2%80%99esh_en).
12. Kukeyeva, Fatima et al (2016), "Security threats and challenges in the post-soviet Central Asia: religion-based extremism on case study of ISIS", ***Global Journal on Humanites & Social Sciences***, Issue 4, Pp. 857-864.
13. Lemon Edward (2018), "*Through an examination of the available evidence and drawing on fieldwork in the region since 2014, Edward Lemon discusses the threat posed by terrorism in the region and beyond it, in Russia, Turkey, Europe, and the US*",  
<http://voicesoncentralasia.org/assessing-the-terrorist-threat-in-and-from-central-asia>.
14. McCoy W. Alfred (2018), "*How the heroin trade explains the US-UK failure in Afghanistan*",  
<https://www.theguardian.com/news/2018/jan/09/how-the-heroin-trade-explains-the-us-uk-failure-in-afghanistan>.
15. Mironova Vera (2019), "The New Face of Terrorism in 2019, Forget the Middle East—it's time to prepare for the threat from the Middle East Union". ***Foreign Policy***, 2019/01/01.



16. Mirovalev Mansur (2018), "*Do Central Asian leaders use ISIL threats for political gain?*", <https://www.aljazeera.com/indepth/features/central-asian-leaders-isilthreatspolitical-gain-180820221522285.html>.
17. Mohammadov, A. H & Ashrafi, Morteza (2017), "*Investigating the Challenges of Religious Extremism in Central Asia and Its Impact on the National Security of the Surrounding nations*", *QUID 2017*, pp. 2789-2796, Special Issue N°1.
- Bşşkiiii i (2011), "The Future of Energy & Security for Europe: Turkey's Role as an Energy Corridor", *Middle Eastern Studies*, 47: 2, Pp. 361 — 378.
19. Olcott, Martha Brill (2017), "*Terrorism, Religion and State policy in Central Asia*", <https://doc-research.org/2017/03/terrorism-religion-state-policy-central-asia>.
20. Omelicheva Mariya Y (2018), "*Mapping the Terrorism/Trafficking Nexus in Central Asia*", Prepared for the Annual Conference of the Central Eurasian Studies Society November 2016 Princeton University.
21. Omelicheva Mariya Y. et al (2018), "*Drug trafficking can support terrorist activity, but not in ways most believe*", <https://phys.org/news/2018-02-drug-trafficking-terrorist-ways.html>.
22. Satubaldina Assel (2018), "*Radicalization, drug trafficking, environments are key EU-Central Asia security challenges, say experts and officials*", <https://astanatimes.com/2018/02/radicalisation-drug-trafficking-environment-are-key-eu-central-asia-security-challenges-say-experts-and-officials>.
23. Virkkunen, J. (2017) "Economic Aspects of Migration from Central Asia in Russia", *RUDN Journal of Economics*, Vol. 25, No. 1, Pp. 102-111.
24. Wintour Patrick (2019), "*Trump: EU must take back 800 Isis fighters captured in Syria*", <https://www.theguardian.com/world/2019/feb/17/islamic-state-isis-baghu-z-trump-calls-on-european-allies-to-take-800-fighters-captured-in-syria>.
25. Woody Christopher (2017), "*Heroin is driving a sinister trend in Afghanistan*", <https://www.businessinsider.com/taliban-control-of-heroin-drug-production-trafficking-in-afghanistan-2017-10>.